

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه

روشن کردن عملکرد رهبران حزبی و دولت نظام شوروی تاکید کرده بود، در مخالفت با این رویداد و پی آمدهای آن وارد عمل نشد. او که به کرات اعلام کرده بوده هیچگاه با وحدت آلمان موافقت نخواهد کرد، سپس حرفش را تغییر داد و گفت در صورتی با آن موافقت خواهد کرد که آلمان متحد بیطرف باشد و سر انجام پذیرفت که آلمان متحد در پیمان آتلانتیک باقی بماند» (۲). چرا که او وری لفاظی های رایج سیاسی ضرورت تغییر در روشهای گذشته را در یافته بود. او در ۷ دسامبر سال ۱۹۸۸ در اجلاس مجمع عمومی

سازمان ملل، تردید به خود راه نداده بود که بگوید «فکر دموکراسی کردن کل نظام جهانی به صورت یک نیروی قوی اجتماعی- سیاسی در آمده است. اقتصاد جهانی تبدیل به یک دستگاه واحد خواهد شد که هیچ دولتی نمی تواند در حاشیه آن به پیشرفت نائل شود... زندگی ما را وادار می کند که گفته های یکنواخت و عقاید کهنه را دور بریزیم، همانطور که مجبور می کند خیالات واهی را فراموش کنیم... ساده اندیشی است اگر گمان کنیم که مسائل کنونی بشریت را می توان با ابزارهایی که در گذشته بکار می رفت حل کنیم. روابط سیاسی جهانی باید بر اساس الویت دادن به ارزشهای مشترک مورد علاقه عالم انسانیت برقرار شود، لازمه این کار این است که ایدئولوژی از مناسبات میان دولتها حذف شود». او در نوزدهمین کنفرانس ملی حزب کمونیست روسیه شوروی نیز گفته بود «ایدئولوژی طوری دست و پای مملکت را بسته که آن را مثل سنگ جامد کرده است» (۳) با چنین برداشتی از ضرورت تغییر در روشهای گذشته بود که دکترین برژنف برای مداخله در امور داخلی کشورهای بلوک شرق، زمانی که «سوسیالیسم» در آن کشورها به «خطر» می افتاد، دکترینی که برای خشکاندن «بهار پراگ» در ۱۹۶۷ در چکسلواکی

تانکها را بکار گرفت، کنار گذاشته شد. در آن سوی دنیا در امریکای جنوبی ساندینیستها که در ژوئیه سال ۱۹۷۹ رژیم سوموزا را بر انداخته بودند، زیر فشار اقدامات خرابکارانه کنترها ها که توسط دولت ریگان برای ساقط کردن حکومت ساندینیستها حمایت می شدند، و تحریم اقتصادی که از سال ۱۹۸۵ توسط ریگان علیه نیکاراگوئه اعمال می شد، مذاکره با کنترها ها و مخالفان راپذیرفتند و در انتخاباتی که در سال ۱۹۹۰ برگزار شد، ویولتا چامورا در راس ائتلافی از مخالفان ساندینیستها به قدرت رسید، ساندینیستها اگر چه قدرت سیاسی را به رقیب واگذار کردند، اما به عنوان یک نیروی بزرگ اپوزیسیون در کشور باقی ماندند. در اتحاد شوروی کودتای نا فرجام اوت ۱۹۹۱ که طراحانش مخالف اصلاحات و خواهان بازگشت به وضع سابق بودند، اوضاع را از کنترل گرباچف خارج کرد و فروپاشی اتحاد شوروی را سرعت بخشید. به رغم تشنجات و برخی سرکوبیها توسط ارتش سرخ، اکنون بجز مورد چینی یا چینستان که استقلال طلبان مسلمانانش مورد سرکوبی روسها هستند، سایر جمهوریها به مسائل منطقه ای و داخلی و توسعه خود مشغولند. ژنرال الکساندر لید زمانی که مسئول شورای امنیت ملی روسیه بود در مورد فروپاشی اتحاد شوروی گفته بود «هرکس از فروپاشی اتحاد شوروی غمگین و متأثر نشده باشد قلب ندارد و هرکس که دوباره می خواهد آن را به هم پیوند بزند، شعور ندارد» (۴). گاه روی برتافتن از پذیرش واقعتهای تلخ، نتیجه جز پرهزینه تر کردن پذیرش واقعتهای ندارد. جهان درحال تحول و دگرگونی سریع است. باید آماده هماهنگی با تحولات بود تا بتوان در امواج تحولات بدون از دست دادن سکان پیش رفت.

۳۲،۱- «یکی بدون دیگری»، نوشته آندره فونتن، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. چاپ اول ۱۳۷۱ نشر، فاخته- تهران
۴- روزنامه اطلاعات ۳۱ شهریور ۱۳۷۵ به نقل از اشیگل اوت ۱۹۹۶

مخالفت با پروژه اتمی رژیم، دفاع از محیط زیست و صلح جهانی و مخالفت با گسترش سلاحهای

هسته ای است

جعفر پویه

رژیم استبدادی مذهبی ولایت با دودوزه بازی و سرگرم کردن مقامات بین المللی، دست به ریسک بزرگی زده است که در نهایت دود آن به چشم مردم ایران خواهد رفت. رژیمی که با قول رفاه و آسایش به مردم به قدرت رسید، به محض سوار شدن بر خر مراد، خلف وعده کرد. به جای آسایش و آرامش و آزادی، در ایران خانواده ای نیست که سوگوار عزیزی نباشد، هزاران نفر در زندانها و صدها هزار نفر در جنگ ضد مردمی ای که حاصل جاه طلبی های جنایتکاران به قدرت رسیده است، جان باختند، فقر بیداد می کند و سازمانهای عریض و طویل امنیتی به شکنجه و اعدام مشغولند. اما همین رژیم به غایت ضد انسانی با بدست آوردن نقطه ضعف کشورهای به ظاهر مدافع حقوق بشر، بسیاری از جنایات خود را قانونی جلوه می دهد و آنچه در این بین برای این مدافعین حقوق بشر اصلن مهم نیست، نظر مردمی است که در یک جنگ نابرابر با جنایت پیشگان رژیم درگیرند. با وعده و وعید قراردادهای کلان اقتصادی، حقوق مردم نادیده انگاشته می شود و رژیم جمهوری اسلامی از لیست ناقصین حقوق بشر سازمان ملل حذف می گردد و دور جدیدی از اعدامها در ملاء عام شروع می شود و فعالان سیاسی و حقوق بشر دستگیر می گردند و تحت شدیدترین شکنجه و بدرفتاری قرار می گیرند و جوانان حق جوانی کردن ندارند و... چرا؟ چون خیال این آدمکشان با وعده های اقتصادی راحت است که مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت و صدای مردم به گوش کسی نخواهد رسید. این تجربه، دستمایه رژیم ضد انسانی ولایت فقیه می شود تا در پهنه تلاش بین المللی برای توقف پروژه اتمی ای که به تولید بمب اتمی منتهی می گردد، همان راه را برود و با دفع الوقت کردن و وعده قراردادهای کلان اقتصادی از کیسه مردم ایران، بار دیگر بخت خود را بیازماید و تا تولید بمب هسته ای به این کشمکش بیهوده ادامه دهد.

آنچه واضح است این است که رژیم ملایان برای باج خواهی بین المللی می خواهد بمب اتمی بسازد. از زدوبندهای پشت پرده هم مشخص می شود که این موضوع برای سازمانهای ذیربط بین المللی

تازگی ندارد و اگر اپوزیسیون ترقیخواه ایرانی دست به افشاگری گسترده زده بود، این مساله بطور کلی نادیده گرفته می شد و کسی هم دم بر نمی آورد. اما اکنون که پرده ها افتاده است و موضوع برای همگان روشن است، بجای ممانعت از این عمل بغایت خطرناک که نه تنها صلح بین المللی را به خطر می اندازد بلکه، حیات بخش بزرگی از مردم بی چیز و فقیر منطقه را به ورطه نابودی می کشاند. بحران اتمی رژیم ولایت فقیه، میدانی برای بدست آوردن قراردادهای اقتصادی و حل و فصل مسایل بین المللی برای دولتهای بزرگ شده است. آنان بجای برخورد قاطع با این موضوع، وارد یک چرخه بده بستان شده اند و معلوم نیست که آخر و عاقبت این موضوع به کجا کشیده می شود.

اما در اعتراض به سیاست اتمیزه کردن منطقه و مخالفت با گسترش سلاحهای هسته ای واقعا مردم ایران دست تنها مانده اند. زیرا از خیل سازمانها و نهادهای بین المللی مخالف گسترش سلاحهای هسته ای و مدافعین محیط زیست در این مبارزه خبری نیست و اگر هم است آنقدر ناچیز که به چشم نمی آید. این سازمانها و تشکلهای را با روشنگری باید به همبستگی فراخواند. باید توضیح داد که همانگونه که افشای زندانهای مخفی و خانه های مرکز شکنجه سازمانهای آدمکشی رژیم در راستای دفاع از حقوق پایمال شده انسانهاست، افشای مراکز تحقیقات اتمی رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران نیز در راستای دفاع از حقوق انسانهاست. این حق مردم ایران است که از سازمانهای ترقیخواه خود بخواهند تا با افشای این مراکز، از ادامه کار آنها به دلیل آلوده ساختن محیط زیست مردم بی دفاع به تشعشعات اتمی جلوگیری کنند. بدون افشا آیا رژیم ولایت فقیه حاضر به خارج کردن یک مرکز تحقیقات اتمی از لوپزان بود؟ چه تعداد مردم آلوده شده اند معلوم نیست ولی آیا تخریب این مرکز به نفع مردم بود یا به ضرر آنها؟ کسانی که افشای این مراکز را افشا اسرار مملکتی قلمداد می کنند، خود همدست کسانی هستند که به آلوده کردن مردم به تشعشعات اتمی مشغولند و هرگز نیز نگران کسانی نیستند که معلوم نیست چه بر سر آنان خواهد آمد.

توقف پروژه اتمی رژیم جمهوری اسلامی یک خواست انسانی و دفاع از محیط زیست و مقابله با گسترش جنگ افزار اتمی است. باید این کارزار را هرچه بیشتر گسترش داد.

۲۰ شهریور ۱۳۸۳